

15. 4. 92

کتابخانه عمومی شهید
Hannoversche Bibliothek in Hannover
1986



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور

شماره ۶۳

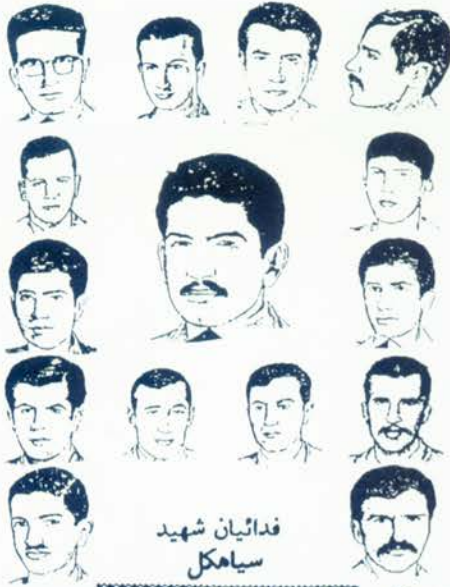
پهمن - اسفند ۱۳۷۰

سال دهم

بهار را با گلها ببینید

با ایمان به پیروزی کلرگران و زحمتکشسان





فدائیان شهید
سیاهکل



فدائیان شهید:

کاوه
اسکندر
حسن

شاخه عشق که در باغ زمستان می سوخت
آتش فقیه در گل زد و پسر آورد شد

در چهارگوشه ترکمن صحرا می خوانند
در آسمان ایران آتش می شکند
رفیقان آتش می شکند



رفقای فدایی شهید:

شیر محمد در خشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق محمد واحدی، حسین جرجانی



فدایی کبیر مسعود احمدزاده

روی شبگیرگران، ماشه خورشید چکید
کومی از آتش و خون موج زد و سنگر شد

فدایی شهید نظام



فدایی کبیر احمد غلامیان
لنگرودی (هادی)

گل های چهل و نه
گل های تا امروز
گل های همیشه
گل های جنگل
و گل های شهید
گل های فدایی
خرمن، خرمن
از سیاهکل
تا قیام
از قیام
تا امروز.

فدایی شهید محمدرضا
بهکیش (کاظم)



فدائیان شهید:
علی نوروزی
حسن محمدپور
محمود امین زاده
اسعد یزدانی
اسماعیل بزرگر
بهنام قاسم زاده رضوی
ابراهیم کردی
فریدون بانه ای
مراد میرزائی

فدایی شهید
مسعود رحمتی



ورفیقان «جهان»
«جهان کمونیست» را
می سرایند و

می سرایند
با دسته گل هایی از خون
بر فراز میتینگ تاریخ





پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بمناسبت بیست و دومین سالروز بنیانگذاری سازمان و چهاردهمین سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن ماه

هم میهنان مبارز

توسط رژیم شاه تیرباران و دوتن در جریان عملیات شهید شدند، اما جنبش نوین کمونیستی ایران و سازمان مداخله جوی آن تولد یافت، سازمانی که توانست بیشترین نفوذ و اعتبار را در بین کلرگران و زحمتکشان ایران بدست آورد، مبارزات آنان را در جهت براندازی سیستم شاهنشاهی در ایران سمت و سو دهد و سرانجام پیشاپیش قیام باشکوه بهمن ماه، نقش مهمی در سرنگونی رژیم شاهنشاهی ایفاء نماید. هرچند سرنگونی رژیم شاهنشاهی با پیروزی نیروهای انقلابی قرین نگردید، بلکه به استقرار حکومت دیکتاتوری و ضد مردمی دیگری با نام جمهوری اسلامی انجامید.

اکنون سیزده سال است که مبارزات انقلابی مردم ایران همواره در معرض بقیه در صفحه ۳۶

سرسپردگی همه جانبه سیاسی و فرهنگی رژیم شاه نسبت به امپریالیسم افزوده می شد، چریکهای فدایی خلق ایران برای رهایی از آن وضعیت هلاکت بلر پرچم ملرکسیسم - لنینیسم، یعنی پرچم جدایی ناپذیر بیداری کلرگران را برافراشتند از این طریق توده های مردم ایران را از یوغ دیکتاتوری آزاد کنند. از آن پس فدایی و کمونیسم به عنوان جنبش سازمان یافته طبقه کلرگر، همچون نشانه های محو نشدنی در مبارزات انقلابی ایران نقش بست. هرچا حرکتی صورت گرفت، مبارزه و یاخیزشی در حال شکل گرفتن بود، آنجا چریکهای فدایی خلق ایران در صف مقدم مبارزه قرار داشته، باحرارت و قهرمانی وصف ناپذیری به بسیج توده های مردم پرداخته اند. اگرچه سیزده تن از رهبران حماسه آفرین سیاهکل بلافاصله

نوزده بهمن ماه سالروز رزم دلاورانه چریکهای فدایی خلق و سر آغاز جنبش نوین کمونیستی ایران فرارسیده است. بیست و دو سال پیش، هنگامی که رژیم ضد خلقی شاهنشاهی ایران در اوج اقتدار قرار داشت و امپریالیسم جهانی می پنداشت، ایران جزیره آرامش است، چریکهای فدایی خلق ایران، باحمله قهرمانانه به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل توانستند، فصل جدیدی در مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران بکشایند. در حالی که به علت سرکوب های سیستماتیک رژیم شاه و سیاست تسلیم طلبانه و خیانت بلر حزب توده، یاس و ناامیدی سایه شومی در سرتاسر ایران افکنده بود و حرص سیری ناپذیر سرمایه های خلعجی آشکرا کنترل اقتصاد ایران را در دست گرفته بود، روز به روز بر

در این شماره

- | | |
|--|--|
| ۴ * رویاهای رفسنجانی و شکست برنامه پنجساله | ۲۴ * بانوی سرخ |
| ۶ * گزارشاتی از ایران | ۲۸ * اعلامیه سازمان |
| ۷ * اخبار ایران | ۲۹ * اعلامیه سازمان |
| ۱۱ * اخبار جهان | ۳۰ * تا قبل از فردا |
| ۱۸ * اخبار جنبش دانشجویی | ۳۲ * اخباری از وضعیت پناهندگان و آوارگان |
| ۱۹ * اعلامیه سازمان | ۳۸ * گرانی سرسام آور در سراسر کشور |
| ۲۰ * گوشه ای از علل بی حقوقی زن در جوامع سرمایه داری | ۴۱ * اعترافات یک شکنجه گر - قسمت دوم |
| ۲۳ * عوامفریبی های رژیم پیرامون بازگشت ایرانیان به داخل کشور | ۴۵ * شعر |

رؤیاهای رفسنجانی و شکست برنامه پنجساله دولت

بیش از دو سال و نیم پیش هاشمی رفسنجانی به مقام ریاست دولت جمهوری اسلامی ایران منصوب شد. رژیم جمهوری اسلامی، رفسنجانی را «آخرین امیدنظام» معرفی کرد و مدعی شد که دولت وی قادر است بر بحران عظیم اقتصادی - اجتماعی مهار زند و نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جهانی را از تلاشی نجات بخشد. در این راستا، دولت رفسنجانی بهبود وضعیت «اقتصاد بیمار» کشور را مهم ترین هدف خود قرار داد و تبلیغات گسترده ای حول «سیاست نوین اقتصادی» و «برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی» که می بایست در چارچوب این سیاست نوین تحقق یابد، به راه انداخت. سیاست گذاران و برنامه ریزان اقتصادی کشور مهم ترین اهداف «سیاست نوین اقتصادی» دولت جمهوری اسلامی را: ۱- افزایش تولید و سطح اشتغال ۲- کاهش کسری بودجه ۳- کاهش رشد نقدینگی ۴- کنترل تورم ۵- افزایش صادرات غیرنفتی و ۶- رشد شکوفایی اقتصاد کشور توصیف نمودند.

دولت جمهوری اسلامی به منظور نیل به این اهداف در راستای جذب سرمایه های امپریالیستی، واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش خصوصی، تأمین امنیت سرمایه، لغو و تعدیل قوانین و مقرراتی که مانع گردش سرمایه می گردند، افزایش مالیات ها، حذف و کاهش سوبسیدها، کاهش ارزش ریال در قبال ارزهای معتبر خارجی و... گام نهاد. اکنون بیش از دو سال و نیم از

تصدی پست ریاست جمهوری توسط رفسنجانی و تلاش های دولت وی در زمینه تعدیل بحران اقتصادی می گذرد. تجربه دو سال و نیم اخیر که با ناکامی «سیاست نوین اقتصادی» توأم بوده است، به وضوح نشان می دهد که میان واقعیات و رویاهای رهبران جمهوری اسلامی دره ای فاصله است، دره ای به فاصله اضمحلال اقتصاد تا شکوفایی اقتصاد که در آن بیهوده بودن وعده و وعیدها و پوچی «سیاست نوین اقتصادی» هویدا است. آیا تعمیق و گسترش هرچه بیشتر وابستگی اقتصادی - سیاسی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی به امپریالیسم جهانی موجب آن نگردیده است که زندگی اقتصادی و اجتماعی توده های مردم ایران هرچه بیشتر در چنگال انحصارات امپریالیستی اسیر گردد و به بلزبچه دست آنان بدل گردد؟ آیا وخیم تر شدن اوضاع فلاکت بار اقتصادی - اجتماعی جامعه در طول دو سال و نیم اخیر که به تباهی هرچه بیشتر زندگی مادی و معنوی توده های کلرگر و زحمتکش کشور انجامیده است، گواه بر این مدعانیست؟ و به وضوح نشان نمی دهد که برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی با شکست روبرو شده است؟

گذشته از آنکه شدت ستیز بین نیروهای مولد و مناسبات تولید، آماده شدن شرایط ذهنی جهت حل تضاد اساسی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران را طلب می کند و نیز برنامه پنجساله اول «توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی» با نیازهای واقعی جامعه امروز ایران متناسب نیست، بررسی اجمالی برنامه پنجساله دولت رفسنجانی نسبت به عملکرد آن در طول دو سال و نیم اخیر نشان می دهد که تا چه حد «اقتصاد ملی» به اقتصاد سرمایه داری جهانی وابسته گردیده و تاچه حد میان آملر و ارقام واقعی و پیش بینی های خیالی رهبران و کلرگزاران اقتصادی جمهوری اسلامی با واقعیات اقتصادی موجود فاصله است و دولت رفسنجانی قادر به تعدیل بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه نمی باشد.

درباره پنجساله اول (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸) در زمینه تحصیل منابع ارزی، پیش بینی شده بود که دولت جمهوری اسلامی طی متجاوز از ۸۳ میلیارد دلار (سالانه رقمی حدود ۱۷ میلیارد دلار) از طریق صادرات نفت خام، گاز و فرآورده های نفتی بدست آورد. برخلاف این پیش بینی خیالی، دولت رفسنجانی در طول سال های ۶۹، ۷۰ و حتی با افزایش تولید و صادرات نفت، پیش فروش و ارزان فروشی نفت نیز نتوانست به ارقام فوق دست یابد. دولت برای جبران عقب ماندگی علاوه بر بالا بردن سقف استقراض خارجی در پوشش های گوناگون مجبور شد در لایحه بودجه سال ۱۳۷۱، در بخش درآمدهای ارزی لایحه، ۲۴ میلیارد دلار از بابت فروش نفت، گاز و فرآورده های نفتی منظور دارد. پس از مخالفت کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، این رقم به ۱۹/۴ میلیارد دلار تقلیل یافت. با وجود این کاهش ۴/۶ میلیارد دلاری در بقیه در صفحه ۵

رویه‌های رفسنجانی . . .

لایحه بودجه سال ۷۱، حسن الحسینی نماینده انتصابی اراک در مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز چهارشنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۷۰ می‌گوید: «با وضعیت فعلی تنها ۱۲ میلیارد دلار درآمد نفت قابل تحقق است که با ارقام پیش بینی شده در لایحه بودجه اختلاف زیادی دارد و ضروریست که بودجه نویسان کشور قدری واقع نگر باشند». به رغم آنکه نماینده انتصابی اراک، برنامه ریزان اقتصادی کشور را به واقع نگری فرا می‌خواند، مجلس شورای اسلامی در ادامه بررسی تبصره های لایحه بودجه سال ۷۱ درآمدهای ارزی حاصل از صادرات و پیش فروش نفت، سایر فرآورده های نفتی و دریافت های ارزی را ۱۹ میلیارد و ۷۹۰ میلیون دلار تعیین کرد. این در شرایطی است که سازمان کشورهای تولیدکننده نفت، اوپک، در بحران به سر می برد و غلامرضا آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در هشدار به اعضای آن در بهمن ماه سال جاری گفت: «شرایط بازار برای هیچیک از اعضا مطلوب نیست و کاهش بیشتر قیمت در سال ۱۹۹۲ باعث بحران اقتصادی برای اعضا می شود». علاوه بر این براساس توافق اخیر اوپک روزانه پنجاه هزار بشکه از سهمیه تولید ایران کاسته می شود.

با این اوصاف، درحالی که از یک طرف براساس توافق اوپک سهمیه تولید نفت ایران کاهش خواهد یافت و همچنین با توجه به نرخ رشد جمعیت مدام بر سهمیه مصرف داخلی نفت کشور افزوده می گردد، و از طرف دیگر در صورتی که شرایط خاصی پیش نیاید، هیچگونه چشم اندازی برای افزایش قیمت نفت وجود ندارد و پیش بینی می شود که بهای نفت اوپک در سال ۱۹۹۲ باز هم تنزل یابد. مشخص نیست که چگونه دولت جمهوری

اسلامی انتظار دارد در سال ۱۳۷۱، ۱۹ میلیارد و ۷۹۰ میلیون دلار ارز از بابت صادرات نفت و پیش فروش آن و سایر فرآورده های نفتی بدست آورد (هم اکنون قیمت نفت دویی که نفت شاخص خلیج فارس به شمار می رود هربشکه حدود ۱۶ دلار است. به عبارت دیگر نفت اوپک در هربشکه پنج دلار کمتر از بهای رسمی آن که ۲۱ دلار است به فروش می رسد و نفت ایران به مراتب پایین تر از ۱۶ دلار برای هر بشکه به فروش می رسد).

در چنین شرایطی، دولت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۱ نیز برای جبران کمبود درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت علاوه بر تحصیل استقراض خارجی مصوب، بر سقف استقراض خارجی غیر مصوب خواهد افزود و با پذیرش هرچه

بیشتر شرایط اسارتبار اقتصادی - سیاسی وام دهندگان بیشتر از گذشته اقتصاد کشور را به امپریالیسم جهانی وابسته خواهند نمود. برای درک هر چه بیشتر این موضوع کافیست نظری بر مجموع درآمدها و هزینه های ارزی دولت جمهوری اسلامی در پایان دومین سال اجرای برنامه پنجساله اول افکنیم. حسین علایی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی که خود از برنامه ریزان و طراحان اقتصادی دولت است، پیرامون درآمدها و هزینه های ارزی رژیم

در سال ۱۳۶۹ می‌گوید: «جمع درآمدهای ارزی سال ۱۳۶۹ (دومین سال اجرای برنامه پنجساله اول) از صدور مواد نفتی جمعا ۱۴ میلیارد دلار بوده است درحالی که در همین سال حدود ۲۱/۹ میلیارد دلار جمهوری اسلامی صرف خرید و ورود انواع

صادرات کالاهای صنعتی	۹ میلیارد دلار (۵ سال)	۱/۸ میلیارد دلار (سالانه)
صادرات غرشفای دستباف	۴/۵ میلیارد دلار	۹۰۰ میلیون دلار
صادرات کالاهای کشاورزی	۳/۱ میلیارد دلار	۶۰۰ میلیون دلار
صادرات محصولات معدنی	۱/۲ میلیارد دلار	۲۴۰ میلیون دلار
صادرات مواد ددا روثی	۱۱۲ میلیون دلار	۲۲ میلیون دلار

کالاهای غیرنفتی تحصیل خواهد کرد. بدین ترتیب در طول برنامه پنجساله ارز حاصله از صادرات مواد غیر نفتی به مرز ۱۸ میلیارد دلار می رسد. افزون بر این طراحان اقتصادی رژیم در بقیه در صفحه ۴۰

گزارشاتی از ایران

می‌کنین پول برق پنج برابر شده برای چیه . برای اینکه برق مقبره امام رو از جیب من و تو باید تأمین کنن دیگه . زن مسن زیر لب چند فحش به امام و قبرش داد . اطرافیان شروع کردند به خندیدن . جوانی با تمسخر گفت : « مادر استغفار کنین ، يك رقمه دیدین معجزه امام شمارو گرفت . » وزن با تمسخر کلمه امام را تکرار کرد و فحشی هم نثارش .

میدان امام حسین جمعیت زیادی جمع شده بود . گوشه میدان که به خیابان شهباز می‌خورد ، دوماشین نیروهای انتظامی ایستاده بود . گفتم : معلوم نیست چه خبره . مردی که نزدیک ما بود ، گفت : « مثل اینکه کلروانی قراره از شاه عبدالعظیم پیاده بیاده ، اینا واسه همین جمع شدن . » مرد دیگری با تمسخر گفت : « کلروان که دیدن نداره . » زن جوانی گفت : « باورکنین مردم خُل شدن . » جوان دیگری گفت : « آره دیگه ، گوشت زیاد می‌خوریم ، غذا خوب می‌خوریم و این هم از زیادی خوردن . » کمی آن طرف تر رفتم و از جمعیت دور شدم . از مردی پرسیدم چه خبر شده ، چرا مردم جمع شدن ؟ وی گفت : « مثل اینکه اعلام کرده بودن می‌خوان تو میدون تئاتر کمندی بلزی کنن و مردم رو جمع کردن ، ولی دوساعته و از تئاتر و کمندی خبری نیست . » گفتم : خوب این ماشین های سپاه چیه دیگه . گفت : « وقتی مردم جمع شدن ، سپاه آمد و وسط میدون ایستاد . » مرد دیگری گفت : « این مردم رو باکلك جمع کردن . الان هم ازشون عکس می‌گیرن و فیلمبرداری می‌کنن ، بعد هم نشون دنیا می‌دن که اینا همه طرفدار ما هستند ، نمی‌دونن که این آدم های بدبخت اومدن شاید کمی بخندن . » مردمی که در اطراف ما ایستاده بودند ، با حالت تأسف سری تکان دادند . پس از نیم ساعت جمعیت کم کم پراکنده شد .

ذهنیت توده‌ها

اتوبوس شلوغ بود و جمعیت زیادی در ایستگاه جمع شده بودند . هنگام سوار شدن بین مسافری درگیری لفظی پیش می‌آمد . راننده دائم فریاد می‌زد : به کسی برین عقب تا مردم سوار شن . آفتلی سر جایش ایستاده بود و تکان نمی‌خورد ، می‌گفت می‌خواهد ایستگاه بعدی پیاده شود . راننده با مصیبت گفت : چرا ما همه چی رو فقط برای خودمون می‌خواهیم . فکر دیگران را نمی‌کنیم . بالایی‌ها به ما زور می‌گن ، خودمون هم به خودمون . حداقل به همدیگه رحم نمی‌کنیم . زن چادری زحمتکشی که به زحمت سوار شده بود ، کنارم نشست . گفتم : اتوبوس کمه و مسافر زیاده . گفت : « بله ، اتوبوس کمه ، تاکسی گرونه . نمی‌تونیم سوار شیم . مجبوریم هر طور شده خودمونو بچپونیم تو اتوبوس ، خونه ام دوره و این راه طولانی را باید از اتوبوس استفاده کنم . » وی می‌گفت از ملاقات یکی از بستگانش که در بیلارستان بستری است ، برمی‌گردد . پرسیدم : بیلارستان بیمه است ؟ گفت : « بله بیمه است ولی پول هم می‌گیرند ، اغلب داروها را هم باید از بیرون تهیه کرد . به بیلارها رسیدگی نمی‌کنن . » و بعد هم از گرانی و بدبختی گله کرد و ادامه داد : « بیچاره مون کردن و بدبختی مون اینه که اینا همه ما رو وابسته به خودشون

کردن . » گفتم : چطور ؟ گفت : « خوب یکی خانواده شهیده ، یکی معلول ، یکی سپاهیه . اینا وابستگی می‌آره . وقتی معلول داری و به تو کمک می‌کنن ، بعدم ازت می‌خوان بنده اونا باشی و هرچی می‌گن انجام بدی . در غیراین صورت باید از گرسنگی بمیری . کلر بهت نمی‌دن ؛ اینو می‌گن وابستگی . »

زن چادری میانسالی که با زحمت و فحش سوار شده بود ، چادرش را که از سرش افتاده بود ، جمع کرد و گفت : « سیر که از گرسنه خبر نداره . سوار بتز می‌شن مزناشون با راننده اینور اونور می‌رن و ما بدبخت ها باید مثل سگ تو سرما بلرزیم آخرش هم اینطور سوار شیم » و شروع کرد به فحش دادن به سردمداران رژیم . مرد مسن زحمتکشی گفت : « تا دیروز برای دو تومان روضه می‌خوندن . حالا هیچکسو آدم حساب نمی‌کنن و فقط به فکر خودشون . » زن مسن چادری گفت : « همه چی رو از ما گرفتن . قرار بود نفت مجانی بشه . پول آب و برق ندیم . چی شده ، حالا يك لیتر نفت گیر فلک نمی‌آد . گور پدر مردم . مالا باید راحت زندگی کنن . تو خونه هاشون موتور برق شخصی دارن چه فرقی می‌کنه برق قطع بشه یا نشه . » آقای میانسال دیگری گفت : « آخه مادر اگر برق ما قطع نشه پس برق مقبره امام چه جور باید درخشش داشته باشه . شما فکر

جنگ زرگری

بی شک یکی از برنامه های «جالب و دیدنی» تلویزیون در ایران، برنامه جلسه علنی مجلس می باشد که چگونه نمایندگان «امت حزب الله» هر کدام با عصاه های سفید و سیاه، با ریش و عبا، همچون «علامه های دهر» به بحث و جدل در باره مسائل حاد کشور می پردازند، برنامه ای که هر بیننده ای را به خنده وامی دارد.

جنایتکار معروف خلخالی در ارتباط با انتخابات و جنگ زرگری بین دو جناح در جلسه علنی روز ۲۷ بهمن مجلس چنین ادعای فضل می کند: «برادر محترم و بزرگمان آیت الله خزعلی عضو محترم شورای نگهبان و عضو جامعه مدرسین... مطالبه را فرمودند که اگر کسانی که مطابق سلیقه ایشان نباشند آنها را د.د.ت می زنند. اولاً این مسئله توهین آور است، ددت را به حشرات می زنند. مگر نمایندگان در مجلس جزء حشرات هستند. جزء سوسک و هزارپا و از این جور چیزها هستند... من از ایشان خواهش می کنم که از سازمان بهزیستی جهانی بنخواهند. اصلاً قدغن کرده اند که ددت زده شود و از نظر قانونی جرم است. چرا؟ برای خاطر اینکه حشرات را زیاد می کند، عکس العمل دارد». وی سپس اضافه می کند: «بنده البته اهل اطلاعات دزمین شناسی نیستم ولی می فهمم که حرف حرف درستی نیست».

واقعا عجب حکایتی است. بالاخره ما نفهمیدیم که ددت، حشرات، سوسک و هزارپا چه ربطی به زمین شناسی دارد. شاید منظور این موجود عجیب الخلقه جانور شناسی بوده است.

«نقش بیماری های دامی در سیر تحولات تاریخی»

دانشگاه تهران «در مورد سمینار چنین گزارش می دهد: «در این کنفرانس در زمینه تریخ دامپزشکی ایران و نقش بیماری های واگیر دامی در سیر تحولات تریخی و ابعاد آن در شیوه های تفکر فلسفی و فنون ادبی تریخ تمدن اسلام مورد بحث و تبادل نظر قرار می گیرد».

در اینجا کسی نیست از استاد ممتاز رژیم سؤال کند که اولاً بیماری های دامی آن هم از نوع «واگیر» آن چه ربطی به سیر تحولات تریخی دارد و ثانیاً ابعاد این «بیماری واگیر دامی» «در شیوه تفکر فلسفی و فنون ادبی تریخ تمدن اسلام» (البته اگر تمدنی داشته باشد چرا که همواره مخالف تمدن و موافق تحجر بوده است) چگونه می باشد؟

بی شک اغراق نکرده ایم اگر که بگوییم به همت رژیم و اسپرگرای جمهوری اسلامی در ایران، امور علمی به نازل ترین سطح خود رسیده است. مع الوصف روزی نیست که رژیم و کلرگزاران آن سمینارها و نشست های «علمی» تشکیل ندهند تا از این طریق وانمود کنند که برای علم و علوم، پژوهش و تحقیقات علمی ارزش قائل می باشند.

اگر از سمینارهای بی محتوا و پر طمطراقی چون «سمینار فاضلاب» کلرگزاران رژیم بگذریم جالب توجه است ببینیم سمینار «بررسی تریخ دامپزشکی در ایران بمدار اسلام تا کنون» از چه محتوایی برخوردار می باشد. روزنامه ابرار سوم اسفند از قول مسئول برگزارکننده - «سمینار آقای تاجبخش استاد ممتاز

حاتم بخشی های تروریستی رژیم

هزینه ای بیش از یک میلیون دلار داشته باشد بنیاد پانزده خرداد آن را می پردازد». حال اگر پروژه احداث درمانگاه، بیمارستان یا مدرسه و... و خلاصه تامین بخشی از کمبودهای مردم باشد، آنقدر از این نهاد به آن اداره و از آن اداره به بنیادهای ریز و درشت حواله داده می شود و از نبود بودجه و امکانات سخن می رود که در اثر مرور زمان به فراموشی سپرده می شود ولی جهت پیش بردن اهداف ارتجاعی و تروریستی همیشه میلیون میلیون ذخیره وجود دارد.

رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن همواره تلاش دارند با سیلی هم که شده صورت خود را سرخ نگه دارند و نگذارند مسئله سلمان رشدی و فتوای ترور وی به بوته فراموشی سپرده شود. در شرایطی که میلیون هائی از مردم کشورمان در وضعیت فلاکت بلوی زندگی می نمایند و کمبود در همه زمینه ها و در بالاترین ابعاد آن در جامعه مشهود است و جان تودها را به لب رسانده است، مسئول بنیاد ۱۵ خرداد در روز ۲۹ بهمن اعلام می دارد: «اگر اجرای حکم قتل سلمان رشدی نیز به

شعار و رجز خوانی

تظاهرات حزب الهی هادرا هو از علیه بدحجابی

در تاریخ چهارم بهمن ماه گروهی از زنان حزب الهی در اهو از علیه بی حجابی تظاهرات کردند. علیرغم اینکه در این تظاهرات «خواهران حوزه علمیه و خانواده های شاهد، دانش آموزان و قشرهای مختلف مردم» شرکت داشتند، ولی تعدادشان تنها ۲۰۰ نفر بود. نیروهای سپاه و شهربانان که به بهانه حفاظت از زنان حزب الهی و جلوگیری از درگیری میان حزب الهیان و بدحجابان، در تمام طول مسیر پشت سر تظاهرکنندگان حرکت می کردند، با ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران عابر، آنها را وادار به رعایت حجاب می کردند.

آمدند در نماز جمعه، مردم می گفتند آقا موشک جواب موشک، خوب ما که موشک نداشتیم مثل آنها. آنجا ما باید رجز می خواندیم. ایشان می گفت، شما صبر کنید ما هنوز در انبلاها را بلز نکرده ایم. واکنیم پدر صاحب بچه را در می آوریم. خوب آنجا لازم بود این رجز خوانی، اما مملکت را نمی شود همه اش با رجز خوانی نگه داشت، با شعار که هیچ چیز درست نمی شه. در بعد سیاسی هم همین است. در بعد اقتصادی هم همینه.»

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که از همان آغاز به قدرت رسیدنشان پایه های حکومتی خود را بر بنیاد سرکوب، ترور، شمار، فریب توده ها و رجز خوانی بنا نهاده، جدیداً با هر چه نزدیک تر شدن زمان انتخابات مجلس چهارم دست یکدیگر را بیشتر رو می کنند. ناطق نوری در سخنرانی خود در مسجد چهارمردان قم می گوید: «من به شما برادران بگویم با شعار، برادرها مملکت درست نمی شود... اینها دیگر الان خریدار ندارند. شعار و رجز خوانی. آدم توی جنگ باید رجز بخواند. آقای هاشمی می

تظاهرات دانشجویان در مقابل مجلس

لازم به ذکر است که دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیر هنوز به خواسته های خویش دست نیافته و به اعتراضات خویش دامنه گسترده تری بخشیده اند. در ادامه این اعتراضات، در اواسط اسفند درگیری های شدیدی در دانشگاه صورت گرفت که منجر به زخمی شدن و دستگیری دهها تن از دانشجویان گشت. بنا به اظهارات دانشجویان آنها در نظر دارند اعتراضاتشان را تا تحقق خواسته هایشان تداوم بخشند.

خواجه نصیر را برانگیخت و آنان را به اعتراض و مقابله با آن کشاند. دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی پس از سه هفته اعتراض و تشکیل جلسات متمده، بالاخره در روز سه شنبه ۲۸ بهمن ماه در مقابل مجلس جمهوری اسلامی تجمع نموده و به اعتراضات خود ابعاد وسیع تری بخشیدند.

به دنبال تصمیم وزارت فرهنگ و آموزش عالی مبنی بر ادغام دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه صنعتی خواجه نصیر در تهران، رئیس دانشگاه تربیت مدرس ضمن داشتن ریاست این دانشگاه به سرپرستی دانشگاه خواجه نصیر نیز منصوب شد. این انتصاب و ادغام خشم دانشجویان و استادان دانشگاه صنعتی

ندارند، رواج بیشتری دارد.

کودکانی که به بیماری کم خونی مبتلا می باشند، می بایست روزانه حداقل یک بار آمپول «دسفرال» و ماهی یک بار خون تزریق کنند تا از مرگ نجات یابند. حال در شرایطی که آمپول «دسفرال» فقط در دو داروخانه تهران پیدا می شود، می توان تجسم نمود صدها هزار تن از کودکان کشور چگونه با قامتی نحیف قربانی شرایطی می گردند که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بر کشور حاکم گردانیده است.

مرگ تدریجی کودکان

حاضر دهها هزار کودک مبتلا به بیماری کم خونی می باشند که علیرغم شناسایی مرض، به خاطر کمبود دارو، روزانه صدها تن از آنان می میرند. بدیهی است که درصد کودکان مبتلا به بیماری کم خونی در ایران دهها برابر بیشتر از رقمی می باشد که تاکنون شناسایی و ثبت شده است. در حال حاضر این بیماری در مناطق مختلف کشور و بویژه در شهرستان ها، مناطق روستایی و دور دست که امکانات پزشکی

وضعیت بهداشت در ایران روز به روز سیر قهقراپی به خود می گیرد. نبود تخصص، کمبود پزشک و دارو، تغذیه بد و عدم امکانات بهداشتی درصد مرگ و میر را به طور چشمگیری بالا برده است. به طوری که بیماری های ساده نیز باعث مرگ افراد می گردد. مرگ و میر کودکان نیز ابعاد نکان دهنده ای به خود گرفته است. بنابه اظهارات پزشکان در حال

تشدید اختلافات و استعفاهای مزدوران رژیم

نماید. بنابراین وی برای اعمال اتوریته فتوایی مبنی بر «ایجاد تغییرات بنیادی در نظام حوزه علمیه قم» صادر می کند. طرفداران خامنه ای بلافاصله پس از اعلام این فتوا در روز سه شنبه ۶ اسفند ۷۰ به راهپیمایی در شهر اقدام می نمایند. جنتی، امام جمعه قم نیز در این تظاهرات شرکت می کند. آنان پس از برگزاری این تظاهرات و نشان دادن قدرت خویش به رقیب، پیشنهاد برگزاری سمیناری را داده اند تا از طریق آن طرح ارائه شده اداره حوزه علمیه قم تکمیل و بررسی و یک شورای سیاست گذاری برای تغییر نظام اداری حوزه تشکیل گردد.

قم گشته و با نمایندگان طرفین دعوا به مذاکره می پردازد تا شاید اختلافات را حل نماید.

البته رژیم برای رد گم کردن افکار صوملی و سطحی جلوه دادن اختلافات، علت اصلی سفر خامنه ای را، دیدار از قم تبلیغ نمود و نمایشات مسخره ای را از جمله «مراسم جشن معامله گذاری ۱۱۰ نفر از طلاب حوزه علمیه قم» (ابراهیم اول اسفند ۷۰) ترتیب می دهد. با این حال سفر خامنه ای نیز اختلافات را حل نمی

هر روز که سپهری می شود شاهد لرزان تر شدن پایه های حکومت جمهوری اسلامی می باشیم. توده های وسیع تری از مردم به جمع مخالفین فعال رژیم می پیوندند و شکاف بین توده ها و هیئت حاکمه ژرف تر می گردد. روزی نیست که خبری از تظاهرات و یا درگیری های پراکنده مردم با مزدوران رژیم در اعتراض به وضعیت اسف بار موجود به گوش نرسد. هم اکنون این امر آنچنان ابعادی به خود گرفته است که ارگان های رژیم را نیز تحت الشماع خود قرار داده است. بنا به گزارشاتی که از لابلای روزنامه های وابسته به رژیم به چشم می خورد، در اواخر بهمن ماه ۷۰، محمدی عراقی نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران به خاطر «اختلاف خویش» استعفا می دهد که به دنبال آن طی حکمی از طرف خامنه ای، محمدعلی موحدی کرمانی به سمت نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران منصوب می گردد.

در شورای مدیریت حوزه علمیه قم نیز اختلافات بیش از حدی تشدید گردیده که منجر به استعفای نمایندگان جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در شورای مدیریت این حوزه می گردد. گفتنی است شورای مدیریت حوزه علمیه قم از ۹ عضو تشکیل شده که به ترتیب ۳ نفر به نمایندگی گلپایگانی، ۳ نفر به نمایندگی خامنه ای و ۳ تن نیز به نمایندگی از جامعه مدرسین حوزه علمیه می باشند.

با استعفای فاضل لنکرانی، سید علی محقق و ابطحی کاشانی - نمایندگان جامعه مدرسین - از شورای مدیریت حوزه اختلافات در حوزه و شهر قم حالت انفجار به خود می گیرد که با مشاهده این امر بلافاصله خامنه ای در اول اسفندماه عازم

تفاوت آراء در مجلس دین و سرمایه

مجلس «دمکراسی و آزادی انتخاب از جانب سردمداران تبلیغ می شود. آنان هر کدام به فراخور حال خود به تعریف و تمجید مجلس و «جایگاه رفیع آن» در نظام جمهوری اسلامی می پردازند. اما جالب اینجاست که کذب تمامی این اراجیف توسط خود سران و مزدوران رژیم در بزرگراه درگیری های ددونی رژیم برملا می شود.

ناطق نوری در بهره رای گیری در مجلس شکوه سرداده و می گوید: «برادرها این بده، این ننگ است. در مجلس جمهوری اسلامی رای هلنی با مخفی گاهی ۴۰ الی ۵۰ تا تفاوت دارد. معلوم است ۴۰ تا ۵۰ نفر هستند که اگر یواشکی رای بدهند رای خودشان را می دهند، اما اگر هلنی رای بدهند از ترس دیگران رای می دهند...». و این در حالیست که این روزها به دلیل نزدیک بودن انتخابات چهارم

نیو داروخانه در برخی از مناطق تهران

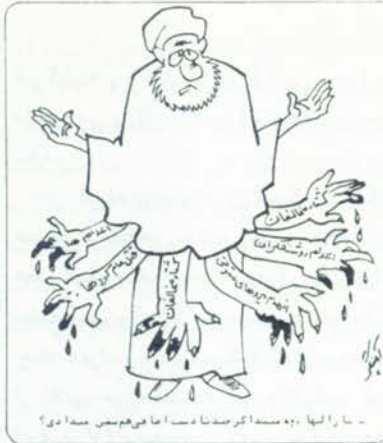
تورم، گرانی سرسام آور مواد غذایی - تهران بویژه مناطق اصفهانک، باغ از یک طرف و شرایط بد بهداشت و درمان در تهران و شهرستان های مختلف از سوی دیگر فشار را بر مردم صدچندان نموده است. کمبود داروخانه و نبود داروهای مختلف نیز بر مشکلات توده افزوده است. به عنوان مثال در مناطق جنوب شرقی تهران بویژه مناطق اصفهانک، باغ سلیمانیه، خیابان میشم و... داروخانه ای موجود نمی باشد و مردم این محلات اگر بخواهند داروئی که آن هم حکم کیمیا دارد پیدا کنند، باید مسافت زیادی را برای تهیه آن طی کنند و ساعت ها وقت خود را بدان اختصاص دهند.

عفو عمومی به شیوه

جمهوری اسلامی

دولتمردان حاکم بر ایران بنا به سیاست اغواگرانه همیشگی، در آستانه فرارسیدن سالروز قیام بهمن ماه، به رجز خوانی مسمزکننده ای حول «عفو عمومی زندانیان» و «محکومین دادگاههای انقلاب» «عمومی» «نظامی» و... دامن زدند. سرانجام در تاریخ بیستم بهمن ماه، یزدی رئیس قوه قضائیه، طرح سرو دم بریده ای را مبنی بر «عفو یا تخفیف مجازات محکومین»، مشتمل بر ۵ ماده ۴۰ تبصره و ۶ بند تنظیم نمود و به تأیید ولی فقیه وقت «خامنه ای رساند. بانگهای هر چند گنرا به طرح مذکور، هرانسان اندک آگاهی درمی یابد که این طرح چگونه با

تبصره ها و بندهای مختلف، به حد تهوع آوری محدودگردیده است. درواقع می توان



گفت این طرح به ندرت شامل محکومین دادگاههای رژیم می گردد. جهت اطلاع مواردی از محدودیت های یادشده در طرح

مذکور را در اینجا ذکر می کنیم. تبصره ۴: عفو یا تخفیف موارد فوق شامل محکومینی خواهد بود که شاکی خصوصی نداشته و یا رضایت وی جلب شده باشد.

۵- مرتکبین جرائم زیر مشمول موارد عفو و یا تخفیف مجازات نمی باشند:

الف - محکومین به ارتکاب جرائم مواد مخدر که به استناد مصوبه مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام محکومیت یافته اند.

ب - مرتکبین جرائم سرقت های مسلحانه و راهزنی در جاده ها و معابر و شوارع.

ج - مرتکبین جرائم اخلاف در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹.

د- مرتکبین جرائم اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری و تصرفات غیرقانونی در اموال دولتی و عمومی و غارت بیت المال که میزان آن در هر مورد از میلیون هاریال به بالا باشد.

ه- مرتکبین جرائم علیه امنیت عمومی و حاکمیت نظام و جرائم گروهکهای ضد انقلاب مگر آنکه توبه کرده باشند و توبه آنان مورد تأیید دادگاه صادرکننده حکم و دارستان مجری حکم و مسئولان زندان محل قرار گرفته باشد.

و- کسانی که بیش از دو بار سابقه محکومیت به لحاظ ارتکاب همان جرم داشته باشند.

همانگونه که مشاهده نمودید، به یقین می توان گفت که طرح اغواگرانه رژیم در هیچ موردی شامل حال دهها هزار زندانی سیاسی و محکومین دادگاههای ضد خلقی رژیم نمی گردد. به هر حال نباید هم تعجب کرد، رژیمی که در تمامی طول حیاتش وظیفه ای جز سرکوب مردم نداشته است و زندان، شکنجه، اعدام و ترور مخالفین را تضمین کننده تداوم و بقا، حاکمیتش می داند، نه تنها قادر به اجرای عفو عمومی نیست بلکه اصولاً با ماهیت جنایتکارانه اش مایلینت دارد.

الکترون لاشات یک

چیزی از جثه انسان در او نمی یافتی. به سان مرده مومیایی شده ای بود که پس از هزاران سال کشف شده باشد.

شکنجه بروی حمید ۲۰۰ روز تمام طول کشید، بدون وقفه و بدون يك لحظه خواب. آخرین روز همراه تمام بلزجوها برای بدست آوردن اعتراف در اطاق بازجویی گرد آمده بودیم. رئیس شهربانی ریاست تیم را داشت. من و حسین و مصطفی بیشتر کارها را انجام می دادیم. در اصل پرونده متعلق به ما بود و بقیه مهمان و کمک به شمار می رفتند. همگی دور حمید حلقه زده بودیم و به دنبال روش جدیدی می گشتیم که به ناگاه صدای ضعیف حمید همه را ساکت کرد. سر را برگردانده و نگاهها متوجه او بود. حمید سرش را به گوشه ای چسبانده و روی صندلی الکتریکی به خواب رفته بود. هنوز رویش شک انجام نداده بودیم. خواستم بیدارش کنم که رئیس شهربانی

مانع شد. بالای سر حمید رفت و دهانش را به گوش حمید نزدیک کرد و شروع به سؤال کرد. آن روز آخرین روز میدان تلاش ما بود. حمید کایان در خواب هر



آنچه را که می خواستیم به زبان آورد. شرح بلزجویی اش و جریان ارتباطات را به گونه ای فرمول وار تحویل دادگاه دایم و پرونده را بستیم. من دیگر هرگز او را ندیدم.

ایرلند شمالی

روز یکشنبه ۲۶ ژانویه، هزاران تن از توده های مبارز ایرلند طی مراسم با شکوهی در شهر DERY به خاطر گرامی داشت بیستمین سالگرد شهادت ۱۴ ایرلندی و زخمی شدن ۱۶ تن دیگر دست



صحنه ای از تظاهرات مردم در شهر «دِری» - ایرلند

مراکش

روز پنج شنبه ۱۳ فوریه بیش از ۸۰ درصد از کارکنان وزارت بهداشت و درمان مراکش دست به اعتصاب نامحدودی زدند. خواسته های اعتصاب گران بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها می باشد.

«مراکش از آن کیست؟»

«مراکش از آن کیست؟» عنوان کتابی است که اخیراً توسط MOUMEN DIOURI نویسنده مراکشی به رشته تحریر درآمده و در تاریخ سوم فوریه از زیر چاپ بیرون آمد. انتشار این کتاب عکس العمل های متفاوتی را به دنبال داشت. در ماه ژوئن سال ۱۹۹۱ نامبرده بعد از سال ها سکونت در فرانسه تحت فشار و اعتراض رژیم ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم مراکش به انتشار کتاب مزبور، توسط وزارت کشور فرانسه از این کشور اخراج و به گابون فرستاده شد. این اقدام دولت فرانسه موجب شکل گیری جنبش

روسیه

گسترش اعتراضات و مبارزات توده ای

به دنبال آزادسازی قیمت ها در روسیه از تاریخ دوم ژانویه ۹۲ و تسریع روند خصوصی کردن بخش های تولیدی و تجاری، این جمهوری هرروزه شاهد رویرویی مردم با به قدرت خریدگان جدید می باشد.

در اولین تظاهرات اعتراضی در شهر مسکو، هزاران نفر در زیر بارش برف با دست داشتن باندرول های سرخ و تصاویری از لنین، بر ضد حاکمان جدید و



تظاهرات اعتراضی توده ها در مسکو

سیاست های آنان دست به راهپیمایی زدند. در همین روز در نقطه دیگری از شهر، هزاران معترض دیگر در نزدیکی پارلمان روسیه جلوی عبور و مرور وسایط نقلیه را گرفته و برعلیه سیاست جیره بندی شیر دست به افشاکاری زدند. در شهرهای لنینگراد، روستف، چلیابینسک و همچنین

بقیه در صفحه ۱۲

به راهپیمایی زدند.

۲۰ سال پیش در چنین روزی ۲۵ هزارتن از مردم ایرلند طی تظاهراتی در شهر DERY (دومین شهر مهم ایرلند شمالی) خواستار خروج ارتش اشغالگر انگلیس از ایرلند و محترم شمردن ابتدایی ترین حقوق حقه خود شده بودند.

امروز ۲۰ سال بعد از این جنایت هولناک نظامیان امپریالیسم انگلیس، توده های مبارز ایرلند همچنان مصممانه به نبرد قهرمانانه خود با اشغالگران انگلیسی ادامه می دهند.

اعتراضی عظیمی در این کشور گردید، به طوری که وزارت دادگستری فرانسه مجبور شد در بررسی مجدد پرونده به نفع «دیوری» موضع گیری نماید. وی در ۱۶ ژوئیه به فرانسه بازگشت.

این کتاب بررسی اجمالی است از وضع اقتصادی مراکش. اقتصادی که در آن میزان ثروت خانواده سلطنتی بسیار چشمگیر است. ۴۰ میلیارد دلار ثروت خانواده سلطنتی آن هم در کشوری فقیر با درآمد سرانه ۶۲۰ دلار در سال را نمی توان از دید مردم پنهان ساخت.

«دیوری» در این کتاب از سرکوب خلق مراکش سخن می گوید. ۸۰۰ زندانی سیاسی (۱۲ تن محکوم به حبس ابد)، تنها گوشه ای از وضعیت وخامت بار حقوق بشر در مراکش است. بخش دیگری از این کتاب اختصاص به جنگ صحرا و مبارزات جبهه پولیساریو دارد. جنگی تحمیلی که از حمایت دول غربی برخوردار می باشد و تاکنون قربانیان زیادی را به کام خود کشیده است.

روسیه: گسترش . . .

شهر دوشنبه پایتخت ترکمنستان حرکت های مشابهی در این روز صورت گرفت . تمامی حرکت های اعتراضی این روز توسط کمونیست ها سازماندهی شده بود. در منطقه Carelie در نزدیکی مرز فنلاند مامورین امنیتی از غارت هر روزه مغازه های خصوصی توسط مردم گزارش می دهند.

روز جمعه ۱۷ ژانویه تظاهرات اعتراضی علیه افزایش قیمت هادرشهر تاشکندپایتخت ازبکستان به درگیری توده های به ستوه آمده با نیروهای امنیتی انجامید. در همین ایام بیش از نیمی از معدنچیان قزاقستان در اعتراض به افزایش قیمت ها دست به اعتصاب زدند.

روز ۲۶ ژانویه هزاران تن از مردم شهر مسکو در میدان سرخ این شهر به مناسبت شصت و هشتمین سال مرگ لنین کبیر، گردآمدند. دولنینگراد نیز مراسم مشابهی صورت گرفت .

روز یکشنبه دوم فوریه ، به دعوت حزب کارگران کمونیست (که از تاریخ ۹ ژانویه رسماً شروع به فعالیت کرده است)، دهها هزار تن در مرکز شهر مسکو دست به راهپیمایی زدند. مضمون شعارهای تظاهر کنندگان در طی راهپیمایی عبارت بود از: پس گرفتن رفم آزادسازی قیمت ها، دولتی کردن تجارت خارجی، پایان دادن به صدور بی رویه و بدون کنترل ثروت های کشور، ملی کردن تمامی تولیدهای خصوصی شده. در تاریخ چهارم فوریه کارکنان بخش درمانی بزرگ ترین بیمارستان شهر مسکو «انستیتو SKLIFASOVSKI» با برگزاری تظاهراتی خواستار افزایش حقوق و شرایط کاری بهتر شدند.

بزرگ ترین تظاهرات اعتراضی سال جدید در روزیکشنبه نهم فوریه در مرکز شهر مسکو برگزار گردید. در این روز دهها هزار تن از پارک گورکی تا میدان MANEJE (واقع در



صحنه ای از تظاهرات مردم مسکو در تاریخ دوم فوریه ۹۲

بیش از هزارتن از نمایندگان کارگران کارخانجات Kirousky, Batiysky, Shorokhod, Sverdlov شهرلنینگراد در دفاع از آزادی بیان و مطبوعات و در اعتراض به تصمیم شهرداری مبنی بر اخراج هفته نامه Narodnaia Pravda - به خاطر انتقاد به سیاست های یلتسین - تمامی خیابان های منتهی به شهرداری را بستند، به طوری که شهردار نتوانست به دفترکارش راه یابد. پس از این تظاهرات شهرداری لنینگراد مجبور به پس گرفتن تصمیم خود شد.

در تاریخ دوازدهم فوریه هزاران تن از مردم مسکو به مناسبت روز ارتش (یکی از اعیادسنجی در تقویم شوروی سابق) طی راهپیمایی خود در مرکز شهربانیروهای ویژه وزارت داخله روسیه (OMON) مسلح به باطوم، کاسک و زنجیر درگیر شدند. این تظاهرات توسط شهردار مسکو (پوپوف) ممنوع اعلام شده بود. اما در روز شنبه ۱۱ فوریه شورای شهرداری مسکو با تاکید بر اینکه شهردار حق ممنوع نمودن گردهمایی و تظاهرات را ندارد، تصمیم وی را باطل و اجازه برگزاری تظاهرات را صادر می نماید. در همین رابطه شورای قانون اساسی کشوری نیز با ارسال پیامی به ارتشیان و مامورین پلیس آنها را تهدید کرد که در بقیه در صفحه ۱۳

نزدیکی کاخ کرملین) با در دست داشتن پرچم های سرخ مزین به داس و چکش (پرچم سابق شوروی) و باندرول هایی در مخالفت با سیاست های یلتسین و پوپوف (شهردار مسکو و از نزدیکان یلتسین) دست به راهپیمایی زدند. شعارهای این تظاهرات عبارت بود از: یلتسین کشور را به ورطه پرتگاه می برد، باند یلتسین همگی دزد هستند، رفم های جدید باعث فقر و فلاکت مردم، مرگ بر بورس بلزان ودلalan. در طول مسیر راه پیمایی ملارش سابق شوروی و سرود «برخیز ای ملت کبیر» از بلندگوها پخش می شد.

بامداد روز سه شنبه یازدهم فوریه،



عکسی از تظاهرات مردم علیه سیاست های یلتسین

اتحاد مقدس

در تاریخ هفتم ژوئن سال ۱۹۸۲ در کتابخانه خصوصی کاخ واتیکان دیداری صورت گرفته که تا ماه گذشته کسی از محتوا و اخبار آن اطلاعی نداشت. اخیراً

رسند که باید از سندیکای کارگری «همبستگی» در لهستان به رهبری «لخ والس» برای تعیین دادن بخشی از توافقات کنفرانس یالتا استفاده نمایند. بدین ترتیب آقای لخ والس علم می شود و سیل لوازم فنی، تلکس، مادیو موج کوتاه، کامپیوتر، تلفن، دوربین، دستگاههای انتشاراتی،



پاپ ژان پل دوم و ریگان در حال مذاکره - ۱۹۸۲

گزارشی در هفته نامه TIME MAGASIN به چاپ رسیده که پرده از حقایق این دیدار برداشته است. بر طبق این گزارش، دیدار بین رونالد ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا و پاپ ژان پل دوم انجام گرفته بود. مطابق گزارش مجله فوق، در طی این دیدار، پاپ و ریگان به این نتیجه می

مضحکہ فراندوم در آفریقای جنوبی

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی در نظر دارد روز ۱۷ مارس فراندومی برگزار نماید که تنها جمعیت سفیدپوست حق شرکت در آن را دارند. در طی این فراندوم از اقلیت سفیدپوست این کشور سؤال خواهد شد که «آیا از ادامه پروسه رفرم که از دوم فوریه ۱۹۹۰ توسط رئیس جمهور اتخاذ گردیده و هدف آن وضع قانون اساسی جدید از طریق مذاکره و گفتگوست، حمایت می کنید؟». در رابطه با همین خیمه شب بلزی اخیراً DE KLERK رئیس جمهور این کشور اعلام داشته است «در صورتی که اکثریت رأی دهندگان با طرح وی مخالفت نمایند، وی از مقام خود استعفاء خواهد داد». بدین ترتیب همچون گذشته بلزاکثریت جمعیت این کشور را که سیاهان تشکیل می دهند، از شرکت در انتخابات محروم خواهند شد.

برگزاری این فراندوم که در تضاد مستقیم با توافقات و مذاکرات به عمل آمده بین «دوکلرک» و «ماندلا» رهبر کنگره ملی آفریقا در مورد لغو سیستم آپارتاید و شرکت دادن سیاهپوستان در تعیین سیاست کشورشان می باشد، یک بار دیگر شکست سیاستهای مذاکره جویانه رهبری کنگره ملی آفریقا را به اثبات می رساند.

ترکیه

در تاریخ شانزدهم فوریه دارگاه امنیت ترکیه در منطقه آناتولی شرقی به نام Erzincan چهار کرد مبارز را به دلیل فعالیت های انقلابی اشان به مرگ محکوم کرد. دولت و دارستانی آنها را متهم کرده اند که به یکی از زندان های شهر «مالازگیرت» حمله نموده اند.

حقوق بشر چاد در تاریخ شانزدهم فوریه توسط دو فرد ناشناس به قتل رسید. نامبرده بلرها به علت افشاکاری علیه نبود آزادی های دمکراتیک در چاد و متهم نمودن نظامیان، مورد تهدید افراد ناشناس قرار گرفته بود.

به دنبال قتل وی، اپوزیسیون این کشور روز دوشنبه را روز عزای ملی اعلام داشت و از توده های مردم خواست تا در این روز دست به یک اعتصاب عمومی بزنند. این فراخوان با استقبال گسترده مردم این کشور روبرو گشت.

چاد

Joseph Behidi معاون کمیته

روسیه: گسترش . . .

صورت سرکوب توده ها، تحت تعقیب قوه قضائیه قرار خواهند گرفت. تظاهر کنندگان در این روز با در دست داشتن پرچم های سرخ، عکس هایی از لنین و استالین و شملهای «ارتش باتوده هاست» «خلق مجدد خواهان تصرف قدرت سیاسی است»، «کلر خانات از آن کلرگران و نه از آن مافیاء»، به راهپیمایی پرداختند.

کوبا

در تاریخ شانزدهم فوریه دهههازار تن از مردم هاوانابه دنبال فوت چهارمین افسر جوان کوبایی که از نهم ژانویه در حالت اغما، بسر می برد، به خیابان ها آمدند و ضمن تظاهرات در برابر جنازه وی ، اقدامات مداخله جویانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی کشورشان رامحکوم ساختند.

روز ۹ ژانویه يك گروه ضدانقلابی هفت نفره، بعد از رخنه به درون یکی از پایگاههای دریایی و به شهادت رساندن سه افسر جوان و زخمی نمودن «رونالدو پرز کینتوزا» سعی داشتند با دراختیار گرفتن قایقی ، به سوی میامی آمریکا فرار نمایند. هوشیاری توده ها و سرعت عمل مقامات کوبایی باعث شد که این توطئه خنثی و تمامی افراد آن در عرض ۲۴ ساعت دستگیر شوند.

۱۷ فوریه فیدل کاسترو با شرکت در مراسم به خاک سپاری «رونالدو پرز» ضمن افشای ماهیت محاصره

اقتصادی کوبا توسط امپریالیسم آمریکا، از سیاست ننگین این دولت در مورد عدم اعطای ویزا به کوبایی های خواهان مهاجرت به آن کشور پرده برداشت و اعلام نمود که این عده در صورت موفقیت به خروج غیرقانونی از کشور و فرار به سوی آمریکا، در آن کشور لقب قهرمان می گیرند. وی در بخش دیگری از سخنان خود از سیاست غیرانسانی عدم فروش دارو به کوبا توسط کشورهای امپریالیستی سخن گفت و اضافه نمود که یکی از شبکه های اروپایی يك شرکت آمریکایی حتی از فروش يك قوطی دارو برای مداوی «رونالدو پرز» خودداری کرده، دارویی که بعداً به لطف رفقای اروپایی تهیه و به کوبا ارسال شد. فیدل کاسترو سخنان خود را با انتقاد به سیاست «سکوتی که جهان غرب، غرب متمدن، غرب مسیحی، غرب استثمارگر، غرب مسئول این همه جنگ های خانمانسوز، در مورد جوان کوبایی که بر روی صلیبش هزار بلر بیشتر و طولانی تر از مسیح رنج کشیدوشکنجه دیده، اتخاذ نمود، به پایان رساند.

لبنان

برگزاری ششمین کنگره

حزب کمونیست

طی روزهای ۹ تا ۱۲ ژانویه، ششمین کنگره حزب کمونیست لبنان در بیروت برگزار گردید. مباحثات اصلی کنگره حول آزادسازی جنوب لبنان، استقلال ملی ، برقراری دموکراسی ، وفاداری به آرمان های سوسیالیسم و همبستگی بین المللی جدید بر علیه امپریالیسم آمریکا صورت گرفت . پس از پایان مباحثات و تصمیم گیری ها، انتخابات برای تعیین کمیته مرکزی برگزار گردید که ۴۹ نفر (۱۸ عضو جدید) به عضویت این کمیته انتخاب شدند. در این انتخابات George Haoui به عنوان دبیر کل حزب و Farouk dahrouj به عنوان نایب دبیر کل برگزیده شدند. Souha Bechara (زندانی در جنوب لبنان) و Mehie-Dine Hchichou (بروده شده در سال ۱۹۸۲ در صیدا) غیاباً و به عنوان سمبل هزاران اسیر لبنانی به عضویت کمیته مرکزی درآمدند.

روسیه

کنفرانس کشوری حزب کمونیست اتحاد شوروی

طی روزهای شنبه ۱۵ و یکشنبه ۱۶ فوریه ، یکصدوسی نماینده احزاب و سازمان های کمونیستی از جمهوری های لتونی ، بیلوروسی ، اوکرائین ، مولداوی ، گرجستان ، قزاقستان و دهها استان فدراسیون روسیه برای برگزاری کنفرانس کشوری حزب کمونیست اتحاد شوروی ، در شهر Jeleznodorozny گرد هم آمدند. نمایندگان شرکت کننده در این کنفرانس ضمن بحث و بررسی وضعیت حاضر، اعلام داشتند که بیست و نهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در ماه ژوئن سال ۱۹۹۲ برگزار خواهد شد.

روسیه

ویدئو جدیدی به نام فقر

تورم عنان گسیخته ای که در جمهوری روسیه از روز دوم ژانویه به دنبال آزادسازی قیمت ها بوجود آمده است ، موجب پیدایش قشری نو، به نام «فقرای جدید» شده است . اما در همین حال همین تورم باعث بوجود آمدن اقلیت کوچکی در اجتماع شده است که از قبیل فقر و فلاکت توده ها، ثروت های افسانه ای به جیب می زنند. در این رابطه روزنامه Litevatonnaia Gazeta می نویسد: «آزادی قیمت ها مرحله ایست به سوی چپاول توده ها به نفع يك قشر جدید ثروتمند». همین روزنامه می افزاید: «سوئیا

دختر کوچک سیزده ساله مجبور است ظهرها برای صرف ناهار به خانه بیاید، چرا که قیمت يك وعده غذای کانتین مدرسه بالغ بر ۱۵ روبل است . حداقل هزینه غذا در مدرسه يك محصل امروزه نزدیک به ۱۲۰۰ روبل در ماه می باشد. لازم به تذکر است که متوسط حقوق ها در روسیه ۴۰۰ روبل می باشد». اخیراً تلویزیون مسکو برنامه ای در رابطه با پدیده نوظهور جامعه روسیه «فقر» پخش نمود. در طی این گزارش نشان داده می شود که ظهرها در مدارس اکثر دانش آموزان به علت دوری راه و گران بودن هزینه کانتین مدارس ، غذا نخورده و گرسنه می مانند. طی این برنامه زندگی دو دختر بچه در آپارتمانی در شهر بقیه در صفحه ۱۵

شود.

چای به غذای اصلی اکثریت طیف بلژنستگان تبدیل گشته است و شیر فقط به بیمارستان ها و زنان حامله اختصاص یافته است.

امروزه در روسیه قیمت کلیه کالاها سیر صعودی طی می کند. به عنوان مثال قیمت یک عدد نان که قبلاً ۸۰ کویک بود، به ۴/۲ روپل افزایش یافته است. از اول ماه مارس قیمت بلیط اتوبوس، مترو و دیگر وسایط نقلیه شهری از ۱۵ کویک به ۵۰ کویک رسیده است. هزینه آب، برق و تلفن از این قاعده مستثنی نمی باشد. از زمان آزادسازی قیمت ها، اکثریت توده مردم از خدمات بهداشت و درمان مجانی سابق محروم شده اند. بودجه وزارت بهداشت و درمان به حداقل کاهش یافته و هزینه عمل جراحی، معالجه دندان و... بی اندازه افزایش یافته است، مثلاً هزینه عمل جراحی طبیعی کیسه صفرا در حدود ۱۰ هزار روپل می باشد.

پدیده گدایی که بیش از ۵۰ سال بود در جامعه شوروی ریشه کن شده بود، مجدداً در لایان های مترو، مقابل سوپر مارکت ها، در نزدیکی ایستگاههای قطار و بازارهای مکاره به وفور به چشم می خورد. از زمان آزادسازی قیمت ها، نان و

لنینگراد در میان موش ها و تشک های پاره به نمایش گذاشته می شود. همچنین مردی مسن در حال راه رفتن با کفش پاره، بدون پالتو لباس گرم در میان برف سنگین و سرمای معروف لنینگراد نشان داده می



فقر شدید در روسیه: مردم در زیاده هابه دنبال خوراکی می گردند

اسرائیل

رژیم اشغالگر اسرائیل ناتوان از مقابله با قیام مردم فلسطین در سرزمین های اشغالی کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، هر روز بیش از پیش بر جوسرکوب، خفقان، شکنجه و کشتار می افزاید. در همین رابطه اخیراً ساکنین شهرک های جدیدالتأسیس در مناطق اشغالی را مسلح نموده تا در موقع احساس «کوچکترین خطر از سوی فلسطینیان»، از خود «دفاع نمایند». همچنین نیروهای ارتشی مستقر در این مناطق نیز اجازه یافته اند به سوی هر فرد «مشکوک شلیک نموده و وی را از پای در آورند».

کمیته های مخصوص بلژجویی، طولانی نمودن مدت بلژجویی و استفاده از وحشیانه ترین نوع شکنجه ها، دست یازیده است. روزنامه Hadashot چاپ تل آویو در همین رابطه می نویسد: «... پلیس اسرائیل اقدام به تشکیل کمیته



مخصوص بلژجویی در مناطق اشغالی نموده است. این کمیته به طور متداول از هر نوع شکنجه ای برای گرفتن اعتراف استفاده می کند. روزنامه مذکور ضمن

گزارش خود شرح می دهد که چگونه بعد از شهادت جوان ۳۳ ساله فلسطینی، Mustapha Akawi، در زندان Hebron ضمن تحقیق در مورد علت و نحوه شهادت نامبرده، به کمیته ۵ نفری مخصوص بلژجویی که از ۱۸ ماه پیش تشکیل و وجودش همیشه مخفی مانده بود، می رسد. بنا به نوشته این روزنامه، اعضای این کمیته برای گرفتن اعتراف از زندانیان، وحشیانه ترین نوع شکنجه ها مانند وصل کردن جریان برق بر روی آلت تناسلی، استفاده از بطری بریده و... را استفاده می کنند. این پنج نفر که همیشه در طول شب و باصورت پوشیده به انجام وظیفه جنایتکارانه خود می پردازند، غالباً زندانی را مورد ضرب و شتم قرار داده و دائماً برای وی صحنه اعدام دروغین ترتیب می دهند. هر روز صبح سالن بلژجویی به میدان بقیه در صفحه ۱۶

طرح بیکار سازی هشت هزار کارگر

کارخانجات هواپیما سازی بوئینگ

در تاریخ نوزدهم فوریه، مجتمع بوئینگ، بزرگترین کارخانه هواپیما سازی دنیا و مهم ترین تولیدکننده سفارشات پنتاگون اعلام داشت که در نظر دارد در آینده نه چندان دور، ۸۰۰۰ کارگر را بیکار نماید. این طرح جدا از سیاست باز خرید و تشویق به بازنشستگی قبل از موعده می باشد.

مدیریت بوئینگ، علت این سیاست ضد کارگری جدید خود را تغییرات در بازار تجارت هواپیما سازی اعلام می دارد. کاهش سفارشات هواپیماهای B.737 با برد متوسط از ۲۱ فروند به ۱۴ فروند در ماه، کنار گذاردن طرح موشکی و سقوط سفارش هواپیماهای B.2 و شکاری بمب افکن از ۶۰ فروند به ۲۰ فروند در ماه به دلیل کاهش بودجه نظامی آمریکا و... از جمله دلایل اتخاذ این سیاست جدید می باشند.

رهبری سندیکای AFL-CIO در رابطه با سیاست های بیکار سازی اخیر اعلام داشت که امضای توافقنامه تجاری مبادله آزاد بین آمریکا و مکزیک به قیمت بیکار شدن حداقل ۵۰۰ هزار کارگر در آمریکا تمام خواهد شد. وجود نیروی کار ارزان در مکزیک موجب انتقال کارخانجات آمریکایی به آن سوی مرزها شده است.

اسرائیل . . .

جنگی شبیه است که کف آن پوشیده از خون می باشد. زندانیان شکنجه شده در پیمان شب حتی قادر به خزیدن نیز نمی باشند. مسئولان پلیس و ارتش رژیم صهیونیستی، ضمن حمایت از اعضای این کمیته، اقدامات غیر انسانی آنان را پوشیده نگه می دارند.

Mohammed Amin زندانی فلسطینی

که در تاریخ نهم فوریه دستگیر شده است.

پرتقال

پایتخت تلنیلر شدند چرا که ماشین های حمل زیاده نمی توانستند حرکت نمایند.

فراخوان این اعتصاب از طرف

سندیکای کارگری CGPT داده شده بود.

آنها خواهان اضافه حقوق ۱۴/۵٪ می باشند. یک روز قبل از اعتصاب، دولت پرتقال با سندیکای سوسیالیست CGPT ضمن مذاکره توافق نمودند که ۹/۵ درصد به حقوق کارگران اضافه گردد اما این سندیکا علیرغم توافق فوق با دولت، از این اعتصاب حمایت نمود و در آن شرکت کرد.

اعتصاب یک روزه کارگران خدمات عمومی در تاریخ هجدهم فوریه در شهر لیسبون، اختلالات شدیدی در پایتخت پرتقال بوجود آورد. پروازهای هواپیما انجام نگرفت، ارتباطات و حمل و نقل عمومی خوابیده، مدارس بسته شدند، بیمارستان ها فقط کمک های اولیه و موارد اضطراری را انجام می دادند، ۸۰٪ معلمان در کلاس ها حاضر نشدند، زیاده ها در

توکیه

در اوایل سال جدید به دنبال درخواست کارگران کارخانه Arkpres مبنی بر تشکیل سندیکای کارگری، مدیریت کارخانه که از متشکل شدن کارگران در سندیکا هراس داشت، ابتدا با اخراج سه تن از کارگران و تهدید به اخراج بقیه خواست مانع این اقدام کارگران شود. ولی کارگران دست از کار کشیده و خواهان بازگرداندن کارگران اخراجی بر سر کار می شوند. در نتیجه اتحاد و یکپارچگی کارگران مدیریت مجبور به عقب نشینی شده و ضمن بازگرداندن کارگران اخراجی به کار، قول عدم دخالت در تشکیل سندیکای کارگری را می دهد.

آمریکا

نیویورک، شهر بیکاران

نیویورک مرکز استقرار و فعالیت بزرگ ترین تراست ها و کارتل های جهان در سال گذشته لقب شهر بیکاران را به خود اختصاص داد. بنا به گزارش وزارت کار از ماه نوامبر سال ۱۹۹۰ تا نوامبر ۱۹۹۱ این شهر شاهد بیکار شدن ۱۶۷ هزار کارگر و حقوق بگیر بوده است. در ماه نوامبر ۱۹۹۱ تعداد بیکاران این شهر از مرز ۳۳۹ هزار نفر (۱۰/۲٪ جمعیت فعال) نیز گذشت. در عرض یک سال گذشته هیچ گونه فعالیت چشمگیری در زمینه آپارتمان سازی به چشم نمی خورد. اغلب مجتمع های تولیدی در حال انتقال مراکز تولید خود به مکزیک به خاطر نیروی کار ارزان هستند. شرکت بزرگ توزیع BLOOMINGDALE'S تحت حمایت قانون ورشکستگی قرار گرفته و شرکت MACY'S از بزرگترین مجتمع های توزیع از تمامی طلبکاران خود مهلت دو هفته ای خواسته است. در دیگر رشته ها از قبیل عکاسی، مد، روزنامه و مجلات نیز هیچگونه فعالیتی مشاهده نمی شود.

در مورد شکنجه و رفتار حیوانی مزدوران صهیونیستی اظهار می دارد که به محض ورود به زندان و شروع بلزجویی مورد شکنجه قرار گرفته است. وی توضیح می دهد که بلزجویانش به مدت چند روز در ستان وی را از پشت بسته و بدون اینکه لباسی بر تن داشته باشد، در محفظه ای سرد بر روی صندلی به زور نشانده بودند. وی در طی این چند روز از غذا و آب نیز محروم بوده است.